



## دین و تحول دموکراتیک در مصر پس‌انقلاب

ارسلان قربانی شیخ‌نشین\*

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

سید احمد موسوی

دانش آموخته ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

### چکیده

فرایند دموکراسی‌خواهی، اصلی اجتناب‌ناپذیر و مسیر دست‌یابی به آن نیازمند دموکراتیزاسیون فرهنگی است تا بتوان در یک شرایط ارگانیک و در چشم‌انداز ساختار مدنظر آرمان‌های مردم، فاکتورهای واقعی آن را در جامعه پیاده کرد. مقاله حاضر به نقش دین در تحول دموکراتیک کشور مصر می‌پردازد. در این میان، پارادایم جدید مردم‌سالاری دینی به عنوان بارزترین شاخصه انقلاب ۲۵ ژانویه مصر قلمداد می‌شود، زیرا برآیند نقش دین در انقلاب مصر، ایجاد تعادل میان نیروهای اسلام‌گرا، لیبرال و سکولار بوده است. برخی معتقدند سقوط نظام مبارک و پایان یافتن سلطه حزب دموکراتیک ملی، منجر به ظهور فضای سیاسی متنوع و حضور بازیگران جدید شده است. علاوه بر آن، گشایش سیاسی و کثرت‌گرایی حاصل در ترکیب جنبش‌ها و احزاب اسلامی، دیگر تحول بارز در مرحله پس‌انقلاب مصر به شمار می‌رود. به دلیل آنکه نقش و عملکرد دین در روند دموکراسی‌سازی مصر در مرحله بعد از انقلاب، موضوع محوری مقاله است؛ بنابراین، استدلال می‌شود که گذار به دموکراسی در مصر، بدون در نظر گرفتن سطح تحلیل دین قابل‌بررسی نیست، اما کثرت‌گرایی در درون جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب، مانع هژمونی نیروی اسلام‌گرای خاص در عرصه عمومی کشور مذکور می‌شود. گذار از مرحله اقتدارگرایی مبارک و گام نهادن در راه دموکراسی نیز گفتمان‌های احزاب و جریان‌های اسلام‌گرای سنتی و جدید را دگرگون، و ایدئولوژی و شیوه‌های متفاوتی به وجود آورده است.

**واژگان کلیدی:** دین، سلفی‌گری، اخوان‌المسلمین، دموکراسی، مصر، جریان‌های اسلامی.

## مقدمه

در دوران مدرنیته، برخی از جامعه‌شناسان در حقیقت معتقدند که دین الهی، به دلیل موفقیت مؤلفه‌های علمی و تجربی از محدوده تکامل زمانی خارج شده و اکنون دوره تسلط علم فرا رسیده است. آن‌ها رهایی انسان از موقعیت‌های تنگ و بسته جامعه را به عنوان کج‌روی اجتماعی - سیاسی محکوم کرده‌اند و روح جمعی را به جای روح خدا یا خلیفه او، جایگزین می‌کنند. همچنین انسان باید از آگاهی تحریف‌یافته خود فراغت یابد، زیرا دین دستاورد تضاد طبقاتی است. برخی دیگر نیز که از روش تفسیری بهره می‌برند با مردود دانستن وجوه آرمانی ناخداگرایی و عوامل‌گرایی متفکران پیشین، اندیشه رهایی انسان را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما درعین حال توجهی به مسائل مربوط به نقش دین در جامعه به ویژه ابعاد پیشرفتی آن مانند اندیشه خدا، و تأثیر ایمان به او در جهان اجتماعی نداشته‌اند.<sup>۱</sup> این تفکر مبنای اساسی نظریه سکولاریستی غرب، طی چهار قرن گذشته بوده است، اما از اوایل دهه ۸۰ میلادی به دلیل گسترش نقش دین در عرصه عمومی و افزایش تأثیر سیاسی محافظه‌کاران راست مذهبی در ایالات متحده، و رادیکال‌های راست کشورهای مانند هند و اسرائیل، تعدیل و به عنوان مکانیزم ورود به عصر پسامدرن به کار گرفته شد. (Berger, 1999: 6) از این رو، بدون در نظر گرفتن تحولات فلسفه غرب در ارتباط با نقش دین در عرصه عمومی، می‌توان به این مطلب اشاره نمود که ارتباط دین با انقلاب‌ها همیشه موجود بوده است. مروری گذرا بر زمینه‌ها و روند شکل‌گیری انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، نشان می‌دهد که کلیسای کاتولیک و باور مسیحی به عنوان عامل عمده مشروعیت نظام حاکم و حامی وضع موجود، مورد تعرض و ادبار انقلابیون قرار داشت. به بیان دیگر، مسیحیت نه تنها نقشی در فرایند بسیج انقلابی فرانسه بازی نکرد، بلکه در مرحله رادیکالیزه شدن بعضاً مواضع ضدبسیج نیز اتخاذ کرد.<sup>۲</sup> به استثنای وضعیت انقلابی فرانسه، دین یا به عبارتی بهتر سازمان دینی، مهم‌ترین عامل مؤثر در موفقیت انقلاب‌هایی مانند اسپانیا و پرتغال در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی، انقلاب اسلامی ایران در اواخر دهه ۷۰، برزیل در اواسط دهه ۸۰ و لهستان در اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم بوده است. در اسپانیا، زمان فرانسیس فرانکو، کلیسا از اواخر دهه ۶۰ میلادی، سیاست‌های لیبرالی در پیش گرفت و خواستار اجرای انتخابات عادلانه در داخل اتحادیه‌های کارگری و مشاغل حرفه‌ای شد. در اوایل دهه ۷۰ نیز کلیسا با سیاست‌های فرانکو مخالفت و پناهگاه اصلی مخالفان شد. هم‌زمان جریان دموکراتیک مسیحی مالکیت قانونی اسپانیا را بر عهده گرفت، و بر ضرورت محدودیت صلاحیت‌های پادشاه و افزایش اختیارات پارلمان پافشاری کرد. (Preston, 1986: 46) در پرتغال بعد از سقوط نظام آنتونیو سالازار در سال ۱۹۷۴، کلیسا از طریق همکاری با نظامیان حاکم، نقش عمده‌ای در اداره روند تحول دموکراتیک آن کشور ایفا کرد. (Wiarda & Macleish Mott, 2001: 7) در ایران، دین پاشنه آشیل انقلاب بود؛ به گونه‌ای که میشل فوکو فرانسوی از آن با عنوان «انقلاب دینی در عصر مدرن» یاد می‌کند. (Afary & Anderson, 2005: 92) کلیسای کاتولیک

در برزیل، اصلی‌ترین حامی حزب کارگر چپ به شمار می‌رفت و در اواسط دهه ۸۰ رهبری تحول دموکراتیک را بر عهده داشت. (Hewitt, 1990: 139-152) در لهستان نیز کلیسا، به پناهگاه اعتصابات کشاورزان و کارگران تبدیل شده بود و علاوه بر آن از «جنبش همبستگی» که دموکراتیزاسیون لهستان را در دهه ۹۰ میلادی هدایت می‌کرد، حمایت به عمل آورد. (Johnston & Figa, 1998: 36)

بنابراین، دین در بسیاری از انقلاب‌های اروپایی و امریکای لاتین نقش عمده‌ای داشته است. امروزه نیز همان‌گونه که کلیسا پایگاه سازمان‌دهی و بسیج تظاهرکنندگان به شمار می‌رفت، مسجد در جنبش‌های انقلابی اخیر کشورهای عربی، مقر اصلی مخالفان نظام‌های حاکم و بسیج‌کننده نیروهای انقلابی بود؛ در واقع، مراد از تأکید بر نقش مسجد در انقلاب‌های عربی، تأسیس دولت دینی یا سیستم حکومتی «تئوکراتیک»، همانند دیدگاه برخی روشنفکران عرب نیست، بلکه اساساً توجه به بدیل‌های عملی آن برای جامعه مدنی از جمله احزاب، سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی است. در این چهارچوب، دین به عنوان نیروی نمادین و ارزشی بسیج‌گر، در صدد تقویت ارزش‌های آزادی و دموکراسی مورد توجه قرار می‌گیرد.

مقاله حاضر به دنبال دست‌یابی به ۳ هدف اساسی است: اول، تحلیل نقش دین در عرصه عمومی بعد از سقوط نظام مبارک؛ دوم، بررسی و تحلیل مهم‌ترین تحولات مؤثر در کلیت جریان‌های اسلامی در دوره بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه؛ و سوم، تلاش برای ارائه چشم‌انداز نقش جریان‌های اسلامی جدید، در روند گذار از اقتدارگرایی مبارک. به همین دلیل، پرسش اصلی مقاله به این صورت مطرح می‌شود که دین، چه نقشی در تحول دموکراتیک بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه مصر، داشته است؟ به عبارت دیگر، ماهیت نقش دین در پرتو تحولات انقلابی مصر چگونه بوده و جایگاه اسلام‌گرایان در عرصه سیاسی مرحله بعد از انقلاب کدام است؟ برای پاسخ‌گویی به مسئله پژوهش، نظریه ساختاری فرصت سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. نظریه فرصت سیاسی تأکید خود را بر وجود یا عدم وجود فرصت‌های سیاسی قرار می‌دهد. این فرصت‌ها غالباً جنبه ساختاری داشته و در کنترل فعالان انقلابی نیستند، اما برخی از آن‌ها نیز توسط همین فعالان ساخته می‌شوند. از جمله اولین تعاریفی که از ساختار فرصت سیاسی صورت گرفته، به تغییراتی توجه دارد که می‌تواند سبب گشایش‌هایی ناگهانی در نظام شوند. به عنوان مثال، ساختار حکومتی اعم از نظام حزبی و نظام انتخاباتی یا جناح‌بندی‌های گوناگون در حکومت و بروز شکاف میان آن‌ها می‌تواند فرصت‌ساز باشد. همچنین تغییر سیاست حکومت و تصمیم به لیبرالیزه کردن رژیم سیاسی به هر دلیلی، می‌تواند فرصت مورد نظر را به دست دهد. در شرایط ویژه‌ای انسداد کامل فضای سیاسی نیز می‌تواند فرصت مورد نظر را مهیا کند. یک جنبش سیاسی یا اجتماعی که مورد سرکوب و محرومیت از سوی نظام سیاسی قرار گرفته، در مرحله گشایش سیاسی به ترویج افکار و ایدئولوژی، بسیج اعضا، رقابت با احزاب و شناسایی خویش به عنوان بازیگر جدید در عرصه عمومی می‌پردازد.

(Tarrow, 1998:77) به دلیل آنکه در این کاوش، جریان‌های اسلامی مصر، جنبش‌های دینی جزمی به شمار نمی‌روند و در چهارچوب جنبش‌های اجتماعی - سیاسی قرار گرفته‌اند که فعال هستند و بر محیط خود تأثیر و تأثر دارند، می‌توان فرضیه پژوهش را چنین بیان کرد: با توجه به سابقه دینی کشور مصر، حضور دین در مرحله پساانقلاب امری طبیعی به شمار می‌آید؛ از این رو، هرگونه تلاش برای ایجاد اختلال در تمرکز کانون‌های دینی یا کاهش جایگاه آن در عرصه عمومی، بر روند تحول دموکراتیک آن کشور تأثیر منفی دارد. از سوی دیگر، کاربست نظریه فرصت سیاسی نشان می‌دهد که هر چه فضای سیاسی مصر از گشایش سیاسی بیشتری برخوردار شود، کثرت‌گرایی جریان‌های اسلامی افزایش یافته، تحولات فکری و ایدئولوژیک در ساختارهای سیاسی و دینی آن‌ها به وجود می‌آید.

### دین‌سالاری در انقلاب مصر

اگر چه انقلاب مسالمت‌آمیز مدنی، شعار اصلی انقلاب‌های عربی و به‌ویژه انقلاب مصر تلقی می‌شود، اما این مؤلفه به معنی عدم حضور دین در دو جنبه هستی‌شناسی نمادین و کنش سیاسی انقلاب‌ها نیست، زیرا دین در انقلاب مصر به سه شکل رخ نمود: الف) سازمان‌دهی و بسیج‌گر؛ ب) نمادی و ج) سیاسی. مساجد به عنوان مقر اصلی سازمان‌دهی و بسیج هزاران ناراضی و محل تجمع و تظاهر آنان بر ضد نظام حاکم به شمار می‌رفت. ارتباط سمبلیک تظاهرات - کنش سیاسی محض - و نماز جمعه - واجب دینی - از نشانه‌های بسیج‌دهی به معترضانی بود که تاکنون در اقدامی سیاسی حاضر نبوده‌اند. در حقیقت اتخاذ این تاکتیک از سوی جوانان انقلابی مصر - کاربرد مساجد در تظاهرات - ناشی از درک عمیق آنان نسبت به نقش رمزگونه و قابلیت‌های بسیج‌دهنده مساجد بود. به همین دلیل شاهد اهمیت یافتن مساجد عمده‌ای مانند مسجد «عمر مکرّم» در بخش جنوبی از میدان التحریر و مسجد «القائد ابراهیم» در شهر اسکندریه، طی روزهای انقلاب بوده‌ایم.<sup>۳</sup> اما سطح نمادین حضور دین در مواضع مؤسسات مذهبی، مانند الازهر و کلیسای ارتدکس، نسبت به انقلاب بروز یافته است. (السید، ۲۰۱۱: ۷) در بررسی اقدامات سیاسی نیز به دلیل آنکه کلیه جریان‌های دینی با طیف‌های گوناگون، از نقش اساسی برخوردار هستند؛ حضور دین در جنبش‌های سیاسی فراوان بود. به عنوان نمونه مشارکت فردی جوانان اخوانی، منجر به اتخاذ تصمیم رهبران این جماعت برای حضور همه‌جانبه در انقلاب بود. اگر چه بیشتر رهبران و شیوخ سلفی به دلایل فقهی، استدلال‌های دینی، سیاسی و امنیتی مشارکت در تظاهرات را مردود می‌دانستند و مواضع «الدعوه السلفیه» نسبت به انقلاب مبهم بود؛ برخی شخصیت‌های سلفی از جمله «صفوت عبدالغنی»، شیخ «محمد یسری»، شیخ «نشأت احمد»، شیخ «فوزی سعید» و «هشام عقده» از شروع انقلاب حضور داشتند. اگرچه در مواضع گروه موصوف به سلفی‌ها هم‌نوایی وجود نداشت، اما در مرحله بعد از انقلاب نقش فعالی پیدا می‌کنند. (حسام، ۲۰۱۱: ۶) برخی

شخصیت‌ها و رهبران جهادی سابق نیز علی‌رغم عدم مشارکت رسمی جماعت اسلامی در انقلاب ۲۵ ژانویه و گرایش درونی آنان برای بقای حکومت مبارک، حضور داشتند، اما این مسئله منجر به بروز اختلافات میان «ناجح ابراهیم» و استعفای او از مجلس شورای جماعت شد. (ابراهیم، ۲۰۱۱: ۱۳)

## دین و گذار از اقتدارگرایی مبارک

نقش دین در مرحله بعد از انقلاب مصر، امتداد فعالیت‌هایی است که طی روزهای انقلابی بر عهده داشت، اما به دو دلیل با دوره قبل از خود تفاوت داشت: اول حضور ایجابی همراه با روحیه هارمونیک - هماهنگ و منسجم - است که در وضعیت انقلابی مشاهده شد. اقامه نماز «غائب» و مراسم «عشای ربانی» بر روح شهدای انقلاب در ۶ فوریه ۲۰۱۱ و نیز اقدام مسلمانان و قبطی‌ها برای حمایت همدیگر از غافل‌گیری نیروهای امنیتی مبارک در هنگام نماز، از نمونه‌های آشکار این فعالیت‌ها بود. دوم، مهیا شدن شرایط توافق نیروهای سیاسی و اجتماعی مختلف مصر، بدون توجه به اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک موجود بود. این عامل منجر به اشتراک گروه‌ها در یک هدف واحد یعنی سقوط نظام شد. به عبارتی بهتر در دوره بعد از انقلاب، بازگشت نیروهای سیاسی و اجتماعی به هویت ایدئولوژیک خود، و تضعیف انسجام معترضان پس از تحقق هدف مشترک، سبب دگرگونی نقشی دین در عرصه عمومی شد، اما چرا حضور دین - با تمام ابعاد هویتی و سیاسی - بعد از انقلاب مصر، در چهارچوب دیگری قرار گرفت؟ بر اساس نظریه ساختاری فرصت سیاسی ایده‌ها، نیروها و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی محصور در نظام سیاسی، از فرصت‌های ساختاری برآمده از گشایش سیاسی، بهره لازم را برای گسترش نفوذ و نقش‌آفرینی در عرصه عمومی خواهند برد؛ بنابراین، بدون تأمل در اثبات مرکزیت دین و محوریت آن به عنوان عنصر هویتی مصر، معلوم می‌شود که سرکوب جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی از سوی نظام مبارک، امری اساسی در فهم و تفسیر روند انقلابی حاصل در وضعیت جریان‌های اسلام‌گرا به شمار می‌رود. تعامل مبارک با دین از طریق ایجاد اختلال در هم‌گرایی و تضعیف جریان‌های اسلام‌گرا، صورت می‌گرفت. در اوایل دهه ۸۰ میلادی، نظام مبارک در یک تاکتیک سیاسی برای ایجاد پراکندگی در گروه‌های رادیکالی مانند «جماعت الجهاد» و «الجماعه الاسلامیه»، آزادی فعالیت اخوان‌المسلمین را بیشتر کرد. در مقابل طی دهه ۹۰، اخوانی‌ها را کاملاً در تنگنای سیاسی قرارداد تا جایی که بسیاری از رهبران آن‌ها را به دادگاه‌های نظامی فرستاد.<sup>۴</sup> دولت مبارک در دهه اول هزاره سوم میلادی نیز، برای به حاشیه راندن اخوان‌المسلمین پس از پیروزی این جماعت در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵، به سمت جریان‌های سلفی متمایل شد. (ابراهیم، ۱۹۹۸: ۱۲) در واقع، معضل اساسی مبارک تنها ناشی از تجربه شخصی و دیدگاه سلبی او نسبت به گروه‌های اسلامی نیست، بلکه افزون بر آن، ناشی از اعتقاد راسخ به این مسئله است که هرگونه گسترش نفوذ و مشروعیت جریان‌های اسلام‌گرا به معنی فرسایش سلطه و مشروعیت نظام او است. (العنانی، ۲۰۰۹، الف: ۵۶) دولت

مصر با تهدیدآمیز خواندن گروه‌های مزبور، برای دستیابی به مشروعیت خارجی خود استفاده کرده است تا بقای خود را تضمین کند. طبیعی است که گشایش سیاسی و اضمحلال این دولت، منجر به شکوفایی و نقش‌آفرینی اسلام‌گرایان و نیروهای محدود دیگر در عرصه عمومی می‌شود.

حضور دین در عرصه عمومی مصر پس از انقلاب این کشور، در ۳ زمینه بروز یافته است: مسئله هویت، قطب‌بندی اسلامی - سکولار و گسترش حوزه جنبش‌های اسلامی.

### الف) مسئله هویت

بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه، مسئله هویت از دو جهت به یکی از مسائل عمده و اختلاف‌آمیز نیروها و جریان‌های موجود در مصر تبدیل شده است؛ دلیل اول ناشی از میراث منفی دوره قبل از انقلاب است. در این دوره از هر نوع بحث و مذاکره سازنده در خصوص موضوعات اساسی مانند ارتباط دین و دولت، نقش دین در عرصه عمومی و آشفتگی‌های فرقه‌ای جلوگیری می‌شد. عامل دوم نیز به تلاش‌های سیاسی کردن مسئله هویت، و کاربرد آن به عنوان ابزار مناقشات سیاسی برمی‌گردد. در ۳ دهه حکومت مبارک فرصت‌های ارتباطات فکری - معنوی، به شدت ضعیف بود و میانجی‌های گفت‌وگو مانند کنفرانس‌ها و رسانه‌های گروهی، به ابزارهای ترویج سیاست‌ها و حمایت از مشروعیت نظام در آمده بود. این امر منجر به حاشیه راندن و تشنّت‌نخبگان فرهنگی و زوال فرصت‌های ایجاد وفاق ملی در زمینه‌هایی مانند آزادی عقاید، انتخاب دین و مسائل دیگر شد. (البشری، ۱۹۹۸، ۷۷) اما پس از انقلاب، شرایط علنی طرح مؤلفه‌های فوق مهیا شد. همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی در مارس ۲۰۱۱، اولین آزمون جدی بود، زیرا در وهله اول می‌توانست شکاف عمودی بین موافقان و مخالفان اصلاحات را بازگو نموده و در ادامه با انتقال از مرحله گذار، هویت دولت و ماهیت نظام سیاسی آن را مشخص سازد. (العنانی، ۲۰۱۱: ۴) با این حال، همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی به مسائل مورد اختلاف از قبیل هویت دولت، ارتباط دین و دولت و نقش نیروها در شکل‌دهی به عرصه عمومی و غیره توجهی نداشته، بلکه بیشتر شامل مواد اجرایی یا انتقالی و آمادگی برای گذار به مرحله جدید بود. به همین دلیل، هر یک از جناح‌های سیاسی بدون توجه به اندیشه‌های وفاق ملی، برای شکل دادن هویت سیاسی دولت طبق تفکرات و اعتقادات ایدئولوژیک خویش، قدم گذاشتند. به تعبیری دیگر، کلیه جریان‌های سیاسی - لیبرال‌ها، اسلام‌گرایان، سکولارها و گروه‌های چپ - در چهارچوب دیدگاه و منافع محدود و عدم آمادگی برای مناقشه حل اختلاف فی مابین، به دنبال اثرگذاری بیشتر در عرصه عمومی بودند. این مسئله منجر به گسست، گسترش شکاف نیروها و تسریع تضادها شد.<sup>۵</sup>

### ب) قطب‌بندی اسلامی - سکولار

در عرصه سیاسی و اندیشه کشور مصر، قطب‌بندی اسلامی - سکولار به عنوان یک واقعیت جدید به شمار نمی‌آید. طی نیمه اول قرن ۲۰ میلادی، چنددستگی و ویژگی بارز وضعیت فکری

این کشور و اعراب بوده، که بیشتر بین دو جریان عمده لیبرال سکولار و جریان دینی اصلاح طلب، متمرکز شده بود. (البشری، ۱۹۹۶، ب: ۲۱) در واقع، قطبی شدن در اوایل قرن بیستم، بیشتر بحران هویت گروه‌های ملی‌گرای مصر را منعکس می‌ساخت. (Daly, 1998: 13) تأسیس اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ نیز، یکی از نمادهای تجلی آن به شمار می‌رفت. (البناء، ۲۰۰۲: ۳۴) قبل از دهه ۷۰ میلادی قطب‌بندی نیروهای مختلف، بیشتر حالت مناظرات فکری داشت، اما طی دهه ۸۰ و ۹۰ با گسترش جریان‌های رادیکال، شدت بیشتری گرفت. اختناق سیاسی و عدم وجود فضای گفتگویی میان جریان‌های ایدئولوژیک مختلف در دوره مبارک نیز، مزید بر علت شده بود. (عبدالمجید، ۲۰۰۳: ۷۲) بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه تقابل جریان‌های اسلامی و سکولار، در همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی مارس ۲۰۱۱ آشکار شد. نیروهای اسلامی اصلاحات را سرنوشت‌ساز دانسته‌اند، درحالی‌که لیبرال سکولارها آن را ابزار سلطه اسلام‌گرایان بر پارلمان تلقی کردند که می‌توانست اعضای کمیسیون وضع قانون اساسی جدید را انتخاب کند. علاوه بر آن، مسئله ماهیت دولت مصر و نوع نظام سیاسی - دینی یا مدنی - از دیگر عوامل پیش‌برنده چندگانگی موجود بود. (فوزی، ۲۰۱۱: ۱۷) نکته مهم در قطب‌بندی بعد از انقلاب، حضور احزاب لیبرال جدید مانند «المصریین الاحرار» و «مصر الحریه» و برخی احزاب سلفی بود. <sup>۶</sup> به طور مثال ورود سلفی‌ها به عرصه سیاسی و نارضایتی لیبرال سکولارها از گفتمان مذهبی آنان، مناظرات فکری و ایدئولوژیک گوناگونی را به وجود آورد. <sup>۷</sup> ممکن است وقوع تنش فکری و ایدئولوژیک در مسائل عمده‌ای مانند ارتباط دین و دولت، یا فضای مدنی و دینی عرصه عمومی، در برهه‌ای کوتاه اهمیت چندانی نداشته باشد، اما خطر اصلی در دو زمینه دیگر بروز می‌یابد: نخست اینکه تقابل موجود به سمت برخی مسائل سیاسی و اجرایی سوق پیدا می‌کند که بیش از تنش، نیازمند توافق بیشتر است؛ در نتیجه منجر به تضعیف روند گذار به دموکراسی، در مرحله پس از انقلاب می‌شود. دوم، انتقال قطب‌بندی موجود از فضای فکری و نخبگان جامعه، به عرصه رسانه و افکار عمومی مردمی است. در این وضعیت تقابل موجود به یک چالش اساسی تبدیل شده، و جناح‌بندی و بسیج عرصه عمومی نیز، بافت اجتماعی مصر را تهدید می‌کند.

به طور کلی می‌توان نکات قطب‌بندی اسلامی - سکولار بعد از انقلاب مصر را در موارد ذیل برشمرد: اول، تقابل نیروهای مختلف، ناشی از عدم ملاحظه و فقدان خرد جریان‌های پساانقلابی مصر به ویژه طیف لیبرال سکولار است. گرچه برخی شعارهای اسلام‌گرایان نیز نگران‌کننده به نظر می‌رسید، اما باید به این مطلب توجه داشت که طی ۶ دهه گذشته نیروهای اسلامی در بسیاری از فعالیت‌های سیاسی محدود بوده‌اند؛ در نتیجه اتخاذ برخی ممانعت‌ها با توجه به جایگاه اجتماعی آنان منجر به جناح‌بندی و چالش‌های ایدئولوژیک می‌شود. دوم، تهدیدآمیزترین وضعیت چنددستگی نیروهای اسلام‌گرا و سکولار، علاوه بر وقوع آن در زمان حساس - ماه‌عسل انقلاب - فراتر رفتن از شکل اجرایی و موقت، و تبدیل به یک ماهیت دائمی



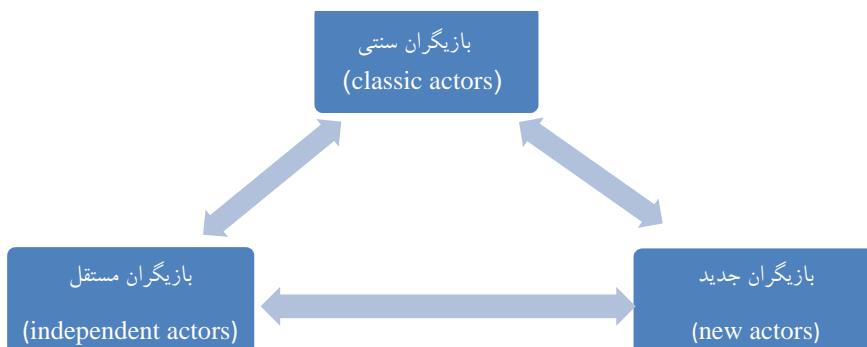
در بافت اجتماعی است. سوم: غالب شدن گرایش‌های ایدئولوژیک در قطب‌بندی عرصه عمومی بعد از دوره مبارک. قطب‌بندی اسلامی - سکولار، در واقع برآیند تضاد طبقاتی نیروهای گوناگون، برای دستیابی به منافع اجتماعی و سیاسی در مرحله پس از انقلاب است؛ درحالی‌که لیبرال سکولارها، تا حدی نماینده طبقه مرفه و متوسط رو به بالا هستند، اسلام‌گرایان نیز نمایندگی طبقه فقیر و متوسط درجه دوم را بر عهده دارند. هر کدام نیز به دنبال منافع و ارتقای جایگاه خود، در مرحله جدید هستند.

### ج) گسترش محدوده جنبش‌های اسلامی

موفقیت انقلاب مردمی مصر را بیش از هر چیز باید ناشی از وحدت گفتمانی گروه‌ها و جریان‌ات معارض سیاسی این کشور، پیش از وقوع آن دانست. هر چند همواره اختلاف در رویکردها در فضایی از ثبات و آرامش دنبال می‌شده است، اما طی روزهای اخیر پس از انقلاب و با طرح مباحثی در باره نوع حکومت آینده و ارتباط دین و دولت و غیره، شاهد آن هستیم که این نزاع آرام، حالتی از افراط و تقابل شدید در محافل رسانه‌ای به خود گرفته است. بی‌شک چنین پدیده‌ای پس از انقلاب ۲۵ ژانویه و باز شدن فضای رقابت سیاسی، طبیعی به نظر می‌رسید، اما این تقابل شدید، به‌ویژه از سوی جریان‌ات اسلام‌گرا و سکولار را می‌توان خارج از روند طبیعی یک گفتمان سیاسی ارزیابی کرد. در این میان، آن گونه که واقعیات انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در مصر نشان داد، در دوران گذار به عصر و دنیای جدید، نیروهای اسلام‌گرا نقش مهم و اساسی دارند که در نتیجه می‌تواند در تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور مؤثر واقع شود. از طرفی برتری نسبی نیروهای اسلام‌گرا نسبت به دیگر نیروهای سیاسی، بدین معنی است که اسلام‌گرایان مسئولیت اصلی تحول و گذار به دموکراسی را نیز دارند؛ بنابراین، آن‌ها باید شرایط جدید مصر را در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاست خارجی شکل دهند، اما افزایش گشایش سیاسی در مصر پس از اقتدارگرایی مبارک، نوعی کثرت‌گرایی درونی در نقشه بازیگران اسلامی به وجود آورد که در ادامه محدوده آن را گسترش داد. این تحول از سلطه یک حزب یا جنبش اسلامی بر عرصه سیاسی و عمومی کشور مصر، جلوگیری می‌کند. از نتایج مهم انسداد سیاسی در دوره مبارک، تضاد با گسترش و تنوع اسلام‌گرایان در عرصه عمومی بود. این تقابل در دو جریان عمده بارز شد: نخست جریان پراگماتیستی - مصلحت‌گرا - است که مجبور به قواعد بازی سیاسی نظام مبارک بود. این جریان شامل اخوان‌المسلمین، سلفی‌ها و اسلام‌گرایان مستقل است. دوم، جریان‌های رادیکال بود که از طریق کاربرد خشونت با نظام حاکم تعارض داشتند، اما با گسترش حملات امنیتی، مجبور به بازنگری فکری و ایدئولوژیک در استراتژی خود گشتند؛ این دوگانگی تحمیلی ضعف جریان مذکور را به دنبال داشت، اما بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه، مصر شاهد دگرگونی وسیعی در عناصر سیاسی ملهم از مرجعیت دینی بود. کنش سیاسی، روش برتر نیروهای مختلف از جمله

سلفی‌ها و جهادیون سابق بود. علاوه بر آن به لحاظ فکری، تغییرات عمده‌ای در گفتمان سیاسی، و ایدئولوژی جریان‌های اسلامی حاصل شد: ۱. دموکراسی، مرجع حاکم بر ساختار گفتمان‌های اسلامی شد؛ ۲. پلورالیسم سیاسی مبنای گفتمان‌های مذکور قرار گرفت؛ و ۳. پراگماتیستی شدن لفظ گفتمان. به طور کلی می‌توان بازیگران و جریان‌های سیاسی اسلام‌گرای بعد از انقلاب مصر را به ۳ گروه عمده تقسیم کرد:

نمودار ۱: گروه‌های اسلام‌گرای مصر بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه



۱. بازیگران اسلامی سنتی: این گروه شامل اخوان المسلمین و جماعت‌های اسلامی است که خشونت را در دوره مبارک کنار گذاشته، و با آغاز مرحله جدید به دنبال ایفای نقش فعال در زندگی سیاسی است:

۱ - ۱. اخوان المسلمین: کسب مشروعیت اخوان المسلمین در ۶ ژوئن ۲۰۱۱ و تأسیس حزب «الحریه و العداله»، مهم‌ترین دستاورد انقلاب ۲۵ ژانویه برای این جماعت بوده است. اگرچه تأسیس حزب عدالت و آزادی در ابتدا با تأملاتی در خصوص برنامه سیاسی و نحوه روابط آینده آن با جماعت همراه بود، اما گام مهمی به سمت ادغام قانونی جماعت با روند سیاسی در مصر به شمار می‌رود.<sup>۸</sup> به دلیل آنکه فعالیت سیاسی اخوان پس از انقلاب، نگرانی‌هایی در مسایل مربوط به کنترل و هدایت زندگی سیاسی، تعیین ماهیت دولت و جهت‌گیری‌های آن به وجود آورده بود، «سازش ملی» به عنوان استراتژی جماعت برای بررسی اولویت‌های دوره گذار و مواضع گروه‌ها نسبت به مسائل ساختاری مانند قانون اساسی جدید، مطرح شد. (عبده حسین، ۲۰۱۱: ۵) اما بی‌اعتمادی نیروهای سیاسی به دلیل میراث منفی دوره مبارک و ممانعت آن‌ها از ائتلاف ملی، در نهایت منجر به ائتلاف انتخاباتی اخوان المسلمین با «حزب الوفد» و برخی از احزاب حاشیه‌ای شد.<sup>۹</sup> در مرحله کنونی از انقلاب مصر، حضور فعال در ساختارهای نظام سیاسی و مشارکت در شکل‌دهی به حکومت جدید، در رأس اولویت‌های جماعت

اخوان المسلمین است، به گونه‌ای که در ترتیبات انتقالی قدرت با وضع قانون جدید قبل از اجرای انتخابات پارلمانی به شدت مخالفت کردند.<sup>۱۰</sup>

۱-۲. گروه‌های رادیکال: احزابی هستند که به دلیل اختناق سیاسی و حملات امنیتی نظام مبارک، در اهداف و ایدئولوژی حزبی خود بازنگری نموده تا در یک چهارچوب حزبی متحول به دنبال مشارکت سیاسی باشند. «الجماعه الاسلامیه» و «جماعه الجهاد» در این گروه‌ها جای می‌گیرند.

پس از خروج رهبران زندانی جماعت اسلامی در دهه اول از هزاره سوم میلادی، گرایش سیاسی این جماعت در عرصه عمومی افزایش یافت. تأسیس حزب سیاسی «البناء و الترمیم» در این چهارچوب بود. حزب توسعه و سازندگی اصول شش‌گانه خود را عدالت، برابری، آزادی، کثرت‌گرایی، شورا و همبستگی اجتماعی قرار داد. مرجعیت این حزب احکام شریعت اسلامی است که هویت امت، حاکمیت قانون، رفاه و امنیت شهروندان را حفظ کرده و حتی روابط خارجی آنان را تنظیم می‌کند.<sup>۱۱</sup> اما کمیسیون احزاب مصر به دلایلی از قبیل صدور احکام جنایی برای دو تن از رهبران حزب «طارق الرمز» و «صفوت عبدالغنی» و ایدئولوژی دینی متناقض با بند ۳ از ماده ۴ قانون شماره ۴۰ احزاب سیاسی در سال ۱۹۷۷ میلادی، با صدور مجوز فعالیت سیاسی آن ممانعت کرد.<sup>۱۲</sup> در مقابل کارگزاران توسعه و سازندگی از طریق دادگاه عدالت اداری، استناد به ماده ۲ پیش‌نویس قانون اساسی ۳۰ مارس ۲۰۱۱ و مرجعیت قانون‌گذاری شریعت اسلامی مجوز شروع فعالیت آن را به دست آوردند.<sup>۱۳</sup> جماعت جهاد نیز حزب «الامن و الترمیم» را تأسیس کرد. حزب توسعه و امنیت در عرصه سیاسی، به دنبال پویایی زندگی سیاسی، کاهش اختیارات رئیس‌جمهور، افزایش صلاحیت‌های پارلمان و لغو مجلس شورا است. در زمینه سیاست خارجی بر پیشرفت اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه افریقا و حل مسالمت‌آمیز اختلافات تأکید کرده است. دیدگاه مورد توجه در استراتژی حزب توسعه و امنیت، ضرورت بازنگری در پیمان کمپ دیوید و سلطه کامل مصر بر صحرای سینا است.<sup>۱۴</sup>

نمودار ۲: احزاب فعال در گروه اسلام‌گرایان سنتی مصر



۲. اسلام‌گرایان جدید: گروهی از احزاب، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی است که مرجعیت فکری و ایدئولوژیک آن‌ها برگرفته از شریعت اسلام بوده، خود را احزاب مدنی با مرجعیت اسلامی معرفی می‌کنند:

۱-۲. حزب الوسط: پس از ۱۵ سال کشمکش با نظام مبارک در ۱۹ فوریه ۲۰۱۱ مجوز فعالیت سیاسی «حزب الوسط»، از طریق دادگاه عدالت اداری صادر شد.<sup>۱۵</sup> علی‌رغم خاستگاه اخوانی حزب الوسط، در نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی به لحاظ سازمانی، فکری و سیاسی در چهارچوب دیگری قرار گرفت؛ اما گفتمان آن همچنان ریشه در منظومه تمدن اسلامی دارد. موضوع محوری برنامه حزب الوسط حول اصول دموکراسی مانند آزادی، برابری، شهروندی و عدالت اجتماعی است. از جمله تفاوت‌های فکری این حزب با اخوان المسلمین، تأکید بر برابری کامل شهروندان بدون توجه به دین و جنسیت بوده است. طبق دیدگاه حزب الوسط زنان و حتی قبطی‌ها، از حقوق سیاسی کامل برای دستیابی به مناصب دولتی - از جمله ریاست جمهوری - برخوردار هستند. (Norton, 2005:136)

۲-۲. گروه‌ها و احزاب سلفی: جریان سلفی یکی از شاخص‌ترین بازیگران عرصه سیاسی مصر است. در این پژوهش مراد نویسنده از جریان سلفی آن دسته از احزابی است که بیش از نقش دعوت دینی محض، خواستار عمل‌گرایی در عرصه سیاسی باشد. با مراجعه به اصول فکری و ایدئولوژی گفتمان سیاسی این جریان، می‌توان پنج گروه عمده را از هم تفکیک کرد. (نسیره، ۲۰۱۱: ۱۳۳)

۱-۲-۲. جماعت الدعوه السلفیه در شهر اسکندریه<sup>۱۶</sup>: یکی از بارزترین نیروهای فعال سلفی در عرصه عمومی کشور مصر، جماعت دعوت سلفی اسکندریه است. اگرچه گرایش این جماعت به جریان «السلفیه العلمیه» - که به کنش سیاسی تمایل ندارد - بیشتر است، اما اهمیت زیادی را برای مسایل عمومی مانند آزادی، حقوق زن، حقوق قبطی‌ها و غیره قائل است. دعوت سلفی اسکندریه بیش از هر چیز بر هویت اسلامی مصر تأکید دارد. طبق دیدگاه این جماعت سلفی، سیاست یکی از زمینه‌های «امر به معروف و نهی از منکر» تلقی می‌شود. (عبدالعال، ۲۰۱۱، الف: ۵) استراتژی سلفی‌های اسکندریه تحول به یک حزب سیاسی نفی می‌شود، اما از احزاب اسلامی در هر مناسبت انتخاباتی حمایت به عمل می‌آورد. به همین دلیل ۳ شرط را برای پشتیبانی از نامزد انتخاباتی قرار می‌دهد: ایمان به مرجعیت شریعت اسلامی، شایستگی و صداقت.<sup>۱۷</sup> نقش مؤثر جماعت الدعوه السلفیه در مرحله بعد از انقلاب، با تشکیل مجلس شورای علمای سلفی آشکار شد. در این مجلس شخصیت‌های برجسته‌ای مانند شیخ «محمد حسان»، شیخ «محمد حسین یعقوب»، «جمال المراکبی»، رئیس سابق جماعت انصار سنی، «المحمدیه» و شیخ «عبدالله شاکر» حضور داشتند. از مهم‌ترین مواضع علنی مجلس، رد اصول قانون پیشنهادی نیروهای لیبرال سکولار و تأیید مشارکت در تظاهرات ۲۹ جولای ۲۰۱۱ بوده است.<sup>۱۸</sup>

۲-۲-۲. حزب النور سلفی: حزب نور که در ژوئن ۲۰۱۱ مشروعیت خود را به دست آورد، نقطه عطف تحول گفتمان سیاسی جریان سلفی بود. این حزب برنامه‌ای از اصلاحات سیاسی، اجتماعی و آموزشی مطرح کرد که بر مرجعیت غالب شریعت اسلامی است. حزب نور در چهارچوب شریعت اسلامی تحقق دموکراسی را از طریق آزادی تکوین احزاب سیاسی، تضمین فعالیت سیاسی در راستای قانون، رایزنی سیاسی، انتخابات آزاد و سالم و بازرسی و کنترل حکومت دنبال می‌کند.<sup>۱۹</sup> علی‌رغم فعالیت کوتاه مدت حزب نور و ماهیت ایدئولوژیک آن، در مقایسه با جماعت الدعوه السلفیه و به لحاظ فعالیت سیاسی از قابلیت انعطاف‌پذیری و عمل‌گرایی بیشتری برخوردار است: اولاً برخلاف گفتمان سنتی سلفی، همکاری و هماهنگی کلیه احزاب را جایز می‌شمارد؛<sup>۲۰</sup> ثانیاً تعامل با غرب را به سود منافع ملی مصر تلقی می‌کند، به گونه‌ای که رهبران حزب از دعوت پارلمان اروپا در بروکسل استقبال کردند؛ (اسماعیل، ۲۰۱۱: ۹) سوم، حزب نور در کنش‌های سیاسی مرحله بعد از انقلاب نقش بارزی داشته، این مسئله به معنی تحول فضای گفتمانی ایدئولوژیک محض حزب، به فضای گسترده سیاسی است؛ تفاوت چهارم حزب نور با احزاب سلفی سنتی نیز ناشی از عدم تجربه آن در کنش سیاسی و ارائه برخی عناصر غافل‌گیری است.

۲-۲-۳. حزب الاصله سلفی: حزب اصالت سلفی با انشعاب مجموعه‌ای از اعضای دفتر سیاسی «حزب الفضیله» به وجود آمد. به تعبیر دیگر، تغییر رویه حزب الفضیله و دوری آن از برخی اصول شریعت اسلامی و سلفی، عامل اساسی در تأسیس حزب الاصله بود. اصول و اندیشه‌های این حزب بر پایه مرجعیت سلفی است؛ علاوه بر آن به دنبال عمل سیاسی مسالمت‌آمیز و قربت دیدگاه اسلامی با دولت و جامعه است.<sup>۲۱</sup>

۲-۲-۴. حزب الفضیله سلفی: برنامه سیاسی این حزب ایجاد دولت مدنی با مرجعیت اسلامی است. حزب الفضیله از طریق دعوت کلیه نیروهای اسلامی از جمله اخوان المسلمین، برای گفت‌وگو، تفاهم و ائتلاف به دنبال تطبیق و فعال‌سازی شریعت اسلامی در قانون اساسی است.<sup>۲۲</sup>

۲-۲-۵. حزب الاصلاح سلفی: این حزب توسط برخی جوانان فعال بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه تأسیس شد. به دلیل آنکه رهبران حزب الاصلاح خواستار دوری از احزاب سنتی سلفی مانند الدعوه السلفیه بوده‌اند، به اندیشه‌های الازهر گرایش پیدا کردند.<sup>۲۳</sup> مهم‌ترین برنامه حزب الاصلاح تأکید بر «دعوی الحسبه» به عنوان یک وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر است که به دنبال حمایت از قانون، حقوق و مالکیت عمومی، میراث تاریخی، منافع ملی و مقدسات دینی کشور مصر است. (عبدالعال، ۲۰۱۱، ۱۱)

۲-۳. احزاب جدید اخوان المسلمین: دیدگاه‌های متفاوتی کثرت‌گرایی حاصل در ترکیب اخوانی‌ها، بعد از انقلاب مصر را مورد بررسی قرار داده و دلایل آن را برشمرده است: دیدگاه نخست نشأت‌گیری احزاب اسلامی جدید را حاصل بحران سازمانی جماعت معرفی کرده است و دیدگاه دوم نیز دلیل انشعاب نیروهای اسلامی را ناشی از رویه اصلاحی - اجتماعی

اخوانی‌ها، بعد از انقلاب می‌داند. اما پژوهش حاضر کثرت‌گرایی حاصل در جریان‌های اسلام‌گرا، به‌ویژه اخوان‌المسلمین را این‌گونه بیان می‌سازد که استمرار گشایش سیاسی موجود در مصر، ساختار جریان‌های اسلامی را به لحاظ سازمانی، متحول و ایدئولوژی آن‌ها را نیز دگرگون ساخته است.

۲-۳-۱. حزب النهضه: النهضه از اولین تلاش‌های حزبی در جماعت اخوان‌المسلمین، بعد از انقلاب به شمار می‌آید که توسط «ابراهیم الزعفرانی»، یکی از بارزترین رهبران نسل دوم جماعت اخوانی، تأسیس شد. فلسفه وجودی حزب النهضه بر اساس اندیشه دولت مدنی و برابری سیاسی شهروندان بدون توجه به دین و جنسیت - مسلمان یا مسیحی، مرد یا زن - استوار است. از دیدگاه این حزب حداکثر مدت اشغال مناصب دولتی که از طریق انتخابات آزاد صورت می‌گیرد، نباید بیش از دو دوره ۵ ساله تجاوز کند.<sup>۲۴</sup> برنامه حزبی النهضه به دنبال ایجاد دولتی با سلطه دموکراتیک است. به نظر رهبران حزب بهترین شکل حکومت، نظام دموکراتیک ریاستی - پارلمانی است که در راستای آن شهروند مصری در فضایی از آزادی، عدالت و برابری به حقوق سیاسی و اجتماعی خویش دست پیدا می‌کند؛ از این رو، ملت مصدر قدرت، اسلام و اصول شریعت اسلامی نیز منبع عمده مشروع دولت هستند.

۲-۳-۲. حزب الریاده: بنیان‌گذاران حزب الریاده از جمله «خالد داوود» و «هیثم ابوخلیل»، بارزترین شخصیت‌های جریان اصلاحی اخوان‌المسلمین هستند. برنامه سیاسی این حزب نسبت به اخوانی‌ها مترقی‌تر است. به دلیل آنکه بین دو فعالیت سیاسی و دعوت تمایز قائل می‌شد، خالد داوود آن را «حزب چپ میانه‌رو» می‌خواند. الریاده یک حزب مدنی است که در صدد بازگردانی معنویت، به زندگی سیاسی پس از انقلاب در مصر است و با دیدگاه حزب «عدالت و آزادی» اخوانی‌ها تفاوت آشکار دارد. درحالی‌که حزب عدالت و آزادی مرجعیت را موضع شک قرار داده، حزب الریاده در اولین بندهای سند تأسیس خود اصول شریعت اسلام را منبع اساسی مشروعیت معرفی کرده است. تفاوت دیگر نیز در مواضع دو حزب نسبت به حقوق زنان و قبطی‌ها مشاهده می‌شود. حزب الریاده برای رسیدن به حد نصاب اعضا و صدور مجوز فعالیت سیاسی آن طبق قانون جدید احزاب - بیش از ۵۰۰۰ نفر - به دنبال ادغام با حزب «مصر المستقبل» در تلاش است تا در چهارچوب یک حزب واحد تحت عنوان «الریاده مصر المستقبل»، در عرصه سیاسی به فعالیت بپردازد. (هویدی، ۲۰۱۱: ۱۹)

۲-۳-۳. حزب مجتمع السلام و التنمیه: «حامد الدفراوی» یکی از بارزترین شخصیت‌های بحران دفتر ارشاد در سال ۲۰۰۹ - به همراه خالد داوود و ابراهیم الزعفرانی - به دنبال تأسیس حزب صلح و توسعه بوده است. هدف محوری این حزب، وحدت وادی نیل با کشورهای عربی و اسلامی است. تحقق عدالت اجتماعی بین قشرهای مختلف کشور مصر از اهداف مرکزی دیگر آن است، اما برنامه سیاسی مبهمی دارد.<sup>۲۶</sup>

۲-۳-۴. حزب التیار المصری: حزب جریان مصری عمده‌ترین تلاش کثرت‌گرایانه در جماعت اخوان‌المسلمین است. دلیل این امر تنها ناشی از پافشاری حزب برای حضور فعال سیاسی و رسانه‌ای در مقایسه با احزاب اخوانی دیگر نیست، بلکه علاوه بر آن باید به ماهیت بنیان‌گذاران حزب التیار مصری توجه داشت. گروه مؤسس حزب غالباً از جوانان اخوانی هستند که نقش عمده‌ای در فعالیت‌های انقلابی داشتند؛ در واقع، این حزب بیشتر در واکنش به تعامل جماعت با گروهی از جوانان در روزهای اولیه انقلاب، و اتهام آنان به خروج از چهارچوب سازمانی اخوان تأسیس شده است. التیار مصری حزبی مدنی - دموکراتیک است که دارای جهت‌گیری میانه است، درحالی‌که به اندیشه‌های لیبرالیستی مطابق با استانداردهای عدالت اجتماعی توجه دارد؛ بر هویت عربی - اسلامی و وابستگی‌های جغرافیایی افریقا تأکید می‌کند.<sup>۲۷</sup> بها دادن به ارزش‌های آزادی، تحول دموکراتیک قدرت، افزایش نقش جامعه مدنی، دوری از دسته‌بندی‌های ایدئولوژیکی و عدم توجه به تقسیمات لیبرال - سوسیال یا اسلامی - سکولار، ارائه برنامه‌های علمی و راه‌حل‌های ابتکاری فراتر از مسائل ایدئولوژیک از اهداف اساسی حزب التیار مصری است.<sup>۲۸</sup> بدون توجه به درجه موفقیت احزاب جدید در تشکیل نهادهای سیاسی نیرومند و منسجم بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه، رقابت آنان با اخوان‌المسلمین در عرصه سیاسی با چالش‌های بسیاری همراه خواهد بود. همچنین به دلیل آنکه احزاب جدید به دنبال خلق گسیختگی سازمانی، سیاسی و حتی ایدئولوژیک در جماعت اخوانی هستند؛ قادر به ارائه یک الگوی حزبی اسلامی و اثبات هویت سیاسی - اجتماعی نخواهند بود. از سوی دیگر، اگر چه پیامدهای جدایی نیروهای جدید از جماعت اخوان‌المسلمین، تاکنون محسوس نبوده است، اما استمرار گشایش سیاسی و ناتوانی در درک دیدگاه‌های اصلاحی یا متفاوت با استراتژی رهبران جماعت، جذابیت اخوانی‌ها را خواهد کاست. به همین دلیل جماعت برای کاهش انتقادات، هماهنگی و همکاری با احزاب و جریان‌های مختلف را در دستور کار حزب عدالت و آزادی قرار داد.

جدول ۱: کثرت‌گرایی در اسلام‌گرایان مصر، پس از سقوط مبارک

الدعوه السلفیه اسکندریه	گروه‌ها و احزاب سلفی	اسلام‌گرایان جدید
حزب النور سلفی		
حزب الاصلاح		
حزب الفضيله		
حزب الاصلاح		
حزب الوسط	قبل از انقلاب	اخوان المسلمین
حزب النهضه	بعد از انقلاب	
حزب الرياده		
حزب مجتمع السلام و التنميه		
حزب التيار المصری		

۳. احزاب اسلامی مستقل: منظور از این احزاب، گروه‌هایی است که خارج از چهارچوب سازمانی جماعت‌های اسلامی مانند اخوان‌المسلمین، جریان‌های سلفی و رادیکال است، اما بنیان‌های سیاسی و اعتقادی خود را مرجعیت دینی قرار داده‌اند:

۱-۳. حزب الاصلاح و النهضه: فعالیت قانونی حزب الاصلاح و النهضه به عنوان یکی از اولین احزاب اسلامی مستقل، در جولای ۲۰۱۱ شروع شد. این حزب از یک استراتژی سیاسی - اجتماعی برخوردار است که برای حفاظت از هویت تاریخی و تمدن اسلامی ملت مصر تلاش می‌کند. بنیان‌گذاران حزب الاصلاح و النهضه در دهه قبل از انقلاب در برخی فعالیت‌های اجتماعی نقش فعالی داشته و این عامل باعث شده بود تا بین جوانان و گروه‌های اجتماعی پس از انقلاب، از جذابیت خاصی بهره‌مند باشند. رشد افراد و توان‌بخشی اجتماعی - سیاسی آنان، مکانیسم حزب الاصلاح و النهضه برای گسترش رسالت و تحقق اهداف ایدئولوژیک و اخلاقی به شمار می‌رود. برنامه سیاسی بر لزوم تعهد و دفاع از هویت و تمدن اسلامی مصر، حمایت از آزادی، احترام به حقوق بشر، حمایت از شهروندان، عدم تبعیض دینی و نژادی و دعوت از قرارداد اجتماعی جدید بین دولت و شهروندان تأکید دارد.<sup>۲۹</sup>

۲-۳. حزب التوحید العربی: دعوت‌نامه تأسیس حزب وحدت عربی از سوی برخی رهبران اسلامی و اعضای سابق حزب کار اسلامی مانند «محفوظ عزام»، رئیس سابق حزب کار، «صلاح عبدالمتعال» و «محمد الدماطی» تنظیم شده است. ایدئولوژی این حزب از نوعی ناسیونالیسم عربی - اسلامی برخوردار است که هدف اساسی آن تغییر وضعیت داخلی و طرد



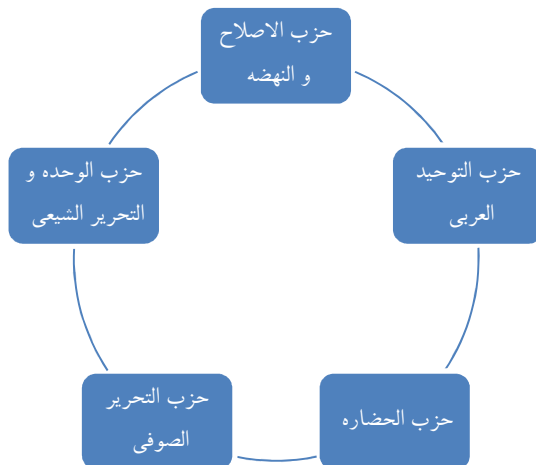
استعمار خارجی است.<sup>۳۰</sup> تفاوت عمده حزب وحدت با دیگر احزاب اسلامی دارای مرجعیت اسلامی، محکومیت و مخالفت آشکار با جریان‌های سکولار است، به گونه‌ای که آن‌ها را جریان‌هایی لائیک دانسته که با الگوبرداری از فرهنگ مادی غرب، برای جداسازی هویت و اصالت اعتقادی مصر تلاش می‌کنند. حزب وحدت عربی، الگوی پارلمانی را به دلیل ایجاد زمینه‌های رقابتی آزاد و عادلانه در چهارچوب آگاهی سیاسی شهروندان، بهترین شکل نظام سیاسی تلقی می‌کند. همچنین در برنامه سیاسی خود، از پلورالیسم سیاسی، تفکیک قوا، برابری مسلمانان با مسیحی‌ها و بازگردانی نقش رهبری مصر در منطقه عربی از طریق لغو معاهده کمپ دیوید، حمایت می‌کند.<sup>۳۱</sup>

۳-۳. حزب الحضاره: حزب تمدن که با تلاش‌های مهندس «حاتم عزام» تأسیس شد؛ بیشتر به جریان‌های اجتماعی فعال در عرصه سیاسی پس از انقلاب قرابت دارد. حزب میانه رو الحضاره همانند حزب الاصلاح و النهضه، بر هویت اسلامی مصر تاکید و افراط‌گرایی را مردود دانسته است. هدف نهایی حزب، برابری سیاسی شهروندان در چهارچوب مشارکت ملی است که بر اساس آن، دولت مدنی دموکراتیک جدید تأسیس می‌شود. به عبارتی، وظیفه حزب الحضاره خلق تمدن جدید و ارائه راه‌حل‌های کاربردی است که از طریق روش علمی، فعالیت جامعه مدنی و ایجاد وفاق ملی حاصل می‌شود. طبق دیدگاه حزب تمدن، مسئله فلسطین، بازسازی نقش رهبری مصر در منطقه و مسائل انرژی، به‌ویژه آب رود نیل از اولویت‌های سیاست خارجی مصر هستند.<sup>۳۲</sup>

۳-۴. حزب التحریر الصوفی: برخی برآوردها نشان می‌دهد حدود ۷۵ طریقت و جنبش صوفی در مصر فعالیت دارند.<sup>۳۳</sup> نظام مبارک برای ایجاد توازن بین نیروهای دینی و افزایش مشروعیت حزب حاکم، از گروه‌های صوفی علی‌رغم عدم ارتباط مستقیم آنان با فعالیت‌های سیاسی سود می‌برد. این امر در دو سال پایانی حکومت مبارک، منجر به ایجاد اختلال و جدایی در داخل نیروهای صوفی شد. یکی از جلوه‌های این جدایی، ظهور «جبهه الاصلاح الصوفی» به ریاست شیخ «محمد علاء ابوالعزائم» بود. (علی حسن، ۲۰۰۹: ۹۱) از این رو، می‌توان گفت اندیشه تأسیس حزب سیاسی صوفی‌های مصر، پیش از انقلاب و پس از دعوت شیخ «محمد عبدالمجید الشرنوبی» - شیخ طریقت شرنوبی برهامی - به وجود آمده بود.<sup>۳۴</sup> بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه با افزایش تنش بین جریان‌های صوفی و سلفی از یک سو و تهدید قبطی‌های مسیحی از سوی دیگر، حزب «التسامح الاجتماعی» صوفی ایجاد شد.<sup>۳۵</sup> در سپتامبر ۲۰۱۱ نیز شیخ ابوالعزائم و «ابراهیم زهران»، حزب «التحریر المصری» را برای نمایندگی جریان صوفی تأسیس کردند.<sup>۳۶</sup> حزب التحریر مصری با ماهیتی اصلاح‌طلبانه و مدنی به دنبال حاکمیت دولت مدنی دموکراتیک، مخالفت با تروریسم، جلوگیری از خشونت و مبالغه فکری است و علاوه بر آن حمایت از حقوق شهروندی و برابری، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های دینی را بر اساس اصول شریعت اسلامی دنبال می‌کند.<sup>۳۷</sup>

۳-۵. حزب الوحده و التحرير الشيعي: شیعیان مصر مانند دیگر احزاب دینی و اسلامی بعد از انقلاب برای دفاع از منافع و جهت‌گیری‌های فکری خویش، به دنبال تأسیس حزب سیاسی بودند. تضاد نظام مبارک با جریان شیعی، فقدان آمار رسمی از تعداد شیعیان و تفاوت دیدگاه‌های نظام سیاسی دوره مبارک با جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله، از چالش‌های اساسی گروه‌های شیعی در مصر قبل از انقلاب بود. پس از دعوت برخی شیعیان مصری برای تأسیس «حزب الغدير» اندیشه ایجاد حزب سیاسی تقویت شد، اما با مخالفت شدید برخی فعالان شیعی از جمله «احمد راسم النفیس» مواجه شد. جالب توجه اینکه راسم النفیس چندی بعد در سپتامبر ۲۰۱۱ سند تأسیس حزب الغدير را تحت عنوان حزب الوحده و التحرير به کمیسیون احزاب تقدیم کرد. حزب وحدت و آزادی شیعی، تنها خاص شیعه مصر نبود و برخی از مسیحیان قبطی و مسلمانان دیگر را نیز در بر می‌گرفت.<sup>۳۸</sup>

نمودار ۳: احزاب اسلامی مستقل بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه



### نتیجه گیری

پس از انقلاب ۲۵ ژانویه مصر حضور گسترده دین با هویت سیاسی و ایدئولوژیک آن در عرصه عمومی، به دو دلیل، طبیعی بوده است: اول اینکه دین طی ۳ دهه حکومت مبارک، در عرصه سیاسی و فکری مصر نقش فعالی داشته و جلوه‌های نقش‌آفرینی آن پس از انقلاب بارزتر شده است؛ دلیل دوم مرجعیت قرار دادن گفتمان فکری و ایدئولوژیک دین از سوی نیروها و جریان‌های مختلف بعد از انقلاب، برای دستیابی به اهداف سیاسی - اجتماعی است. در واقع گرایش گروه‌های گوناگون به قابلیت‌های کاربردی دین در عرصه عمومی، منجر به

ایجاد نوعی کارویژه‌های سیاسی و رسانه‌ای برای دین در عرصه عمومی شده است و این در عمل به معنای اهمیت یافتن گفتمان دینی در کسب مشروعیت گروه‌های مذکور در جامعه و عرصه سیاسی است. با افتتاح سیاسی حاصل از سقوط مبارک، جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی محدود در مصر، برای فعالیت سیاسی و ایفای نقش بیشتر در تعیین ماهیت و شکل نظام سیاسی اقدام کردند، اما شاهد پلورالیسم سیاسی، سازمانی و فکری گشتند. به تعبیر دیگر، افزایش گشایش سیاسی و جهت‌گیری کثرت‌گرایانه مصر به یک نظام دموکراتیک، منجر به شکاف‌پذیری و جدایی در جریان‌های اسلامی شده و این حالت غالب بودن یک نیروی اسلامی خاص در عرصه عمومی و سیاسی مصر را ناممکن می‌سازد. بر اساس پژوهش حاضر می‌توان به چند کلیت اساسی در خصوص جریان‌های اسلام‌گرای مصر، بعد از سقوط مبارک دست یافت:

۱. هرگونه اقدام برای به حاشیه راندن یا حذف احزاب اسلامی جدید، به دلیل قدرت تأثیر و مشروعیت آنان در مرحله بعد از انقلاب، با شکست مواجه می‌شود، زیرا تلاش برای سلب مشروعیت جریان‌های جدید، مستلزم منازعه شدید با هواداران آنها است.
۲. با تداوم افتتاح و انعطاف‌پذیری سیاسی در مصر پساانقلاب، تعداد جریان‌ها و احزاب نیز افزایش خواهد یافت. همچنین به دلیل آنکه جریان‌های جدید خاستگاه اجتماعی دارند، تحول نقشی آنها به نیروهای سیاسی متمایز در عرصه عمومی، با گسست از صورت‌بندی سنتی همراه خواهد بود. به تعبیری دیگر گرایش احزاب اسلامی از حاشیه ایدئولوژیک به مرکزیت سیاسی، سبب بروز گفتمان و ایدئولوژیک نوین این گروه‌ها در مصر می‌شود.
۳. ورود گروه‌ها و جریان‌های جدید در یک تضاد فکری و ایدئولوژیک، پیامدهای منفی در عرصه سیاسی برجای می‌گذارد. تأخیر در روند تحول دموکراتیک مصر، فقدان نیروی اسلامی غالب در عرصه عمومی و وقوع تنش‌های قومی - دینی، از جمله این پیامدهاست.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه نگاه کنید به:

Emile Durkheim, *The Elementary Forms of Religious Life*, (London: Allen and Unwin, 1915), p 15.

۲. برای اطلاع از نقش کلیسا در انقلاب فرانسه مراجعه شود به:

Eric Hobsbawm, *The Age of Revolution 1789 - 1848*, (New York: Vintage Books, 1962). and Jose Casanova, *Public Religions in the Modern World*, (Chicago: University of Chicago Press,

۳. ماهر، مسعود، «الثوره و الجام»، الحیاه، ۲۷/۶/۲۰۱۱،

<http://international.daralhayat.com/internationalarticle/282038>

۴. برای آشنایی با تاکتیک‌های تقابل مبارک با نیروهای داخلی مختلف رجوع کنید به:

«المتظاهرون یقیمون قداس الاحد بالتحریر تکریمًا للشهداء»، الیوم السابع، ۲/۶/۲۰۱۱،

<http://www.youm7.com/News.asp?NewsID=347068>

۵. «نحو دوله علمانیه»، الشرق الاوسط، العدد ۱۱۷۶۹۰، ۲۰۱۱/۲/۱۷
۶. جریده الشروق الجدید،  
<http://www.shorouknews.com/contentdata.aspx?id=493776>
۷. جریده الاهرام،  
<http://digital.ahram.org.eg/articles.aspx?Serial=441815&eid=118>
۸. برای اطلاع از تأسیس حزب «الحریه و العداله»، به سایت رسمی جماعت اخوان المسلمین (الاخوان اونلاین)، ۲۰۱۱/۶/۶ رجوع کنید:  
<http://www.ikhwanonline.com/new/Article.aspx?ArtID=85590&SecID=211>
۹. «انسحاب حزب العدل و الجبهه من التحالف الديمقراطی»، المصری الیوم، ۲۰۱۱/۶/۶ علی الرابط،  
<http://www.almasryalyoum.com/node/471894>
۱۰. به بیانیه جماعت اخوان المسلمین در خصوص مسئله «الانتخابات اولاً» در اخوان اونلاین، ۲۰۱۱/۱۱/۲۳ رجوع کنید:  
<http://www.ikhwanonline.com/new/Article.aspx?SecID=118&ArtID=86476>
۱۱. الموقع الإلكتروني لجریده الیوم السابع، ۲۰۱۱/۶/۶  
<http://www.youm7.com/News.asp?NewsID=438709&SecID>
۱۲. الموقع الإلكتروني لجریده التحرير:  
<http://tahrirnews.com/AA%D8%A3%D8%B3%D9%8A%D8%B3-%C2%AB%D8%A>
۱۳. الموقع الإلكتروني لجریده الیوم السابع، ۲۰۱۱/۱۰/۱۰  
<http://www.youm7.com/News.asp?NewsID=509795&>
۱۴. برای آشنایی با بینش سیاسی حزب توسعه و امنیت: «برنامج حزب السلام والتنمیة»، الموقع الإلكتروني لجریده الشروق الجدید:  
<http://www.shorouknews.com/contentdata.aspx?id=439122>
۱۵. «الإداریه العلیا توافق علی تأسیس حزب الوسط»، الموقع الإلكتروني لجریده الأهرام علی الرابط:  
<http://www.ahram.org.eg/Al-Mashhad-Al-Syiassy/News/82329.aspx>
۱۶. برای اطلاع از دعوت سلفی در اسکندریه، به علی عبد العال، «الدعوه السلفیه فی الاسکندریه، النشأه و اهم الملامح»، چهار بخش در المصری الیوم:  
<http://www.almesryoon.com/news.aspx?id=57714>  
<http://www.almesryoon.com/news.aspx?id=57854>  
<http://www.almesryoon.com/news.aspx?id=58010>  
<http://www.almesryoon.com/news.aspx?id=58137>
- و گفت وگویی شیخ احمد فرید در الشروق الجدید، ۵ مارس ۲۰۱۱، به پیوند زیر مراجعه کنید:  
<http://www.shorouknews.com/contentdata.aspx?id=401860>
۱۷. جریده الشرق الوسط، عدد ۱۱۸۶۲، ۱۵ آوریل ۲۰۱۱:  
<http://www.aawsat.com/details.asp?section=4&issueno=11826&article=617333&search=%C7%E1%D3%E1%DD%ED%C9&state=true>
۱۸. جریده المصری الیوم، عدد ۲۵۹۲، ۱۹ جولای ۲۰۱۱:  
<http://www.almasry-alyoum.com/article2.aspx?ArticleID=304357&IssueID=2201>

۱۹. برای آگاهی از بینش سیاسی حزب نور به سایت رسمی حزب رجوع کنید:  
[http://www.alnourparty.org/page/program\\_headers](http://www.alnourparty.org/page/program_headers)
۲۰. الموقع الإلكتروني لجريدة الدستور الاصلی، ۹ ژوئن ۲۰۱۱:  
<http://www.dostor.org/politics/egypt/11/june/9/44607>
۲۱. الموقع الإلكتروني لجريدة اليوم السابع، ۱۱/جولای ۲۰۱۱:  
<http://www.youm7.com/News.asp?NewsID=452334>
۲۲. الموقع الإلكتروني لجريدة اليوم السابع، ۷ جولای ۲۰۱۱ علی الرابط التالي:  
<http://www.youm7.com/News.asp?NewsID=429753>
۲۳. الموقع الإلكتروني لجريدة المصری اليوم دخول به تاریخ ۱۵/۹/۲۰۱۱ علی الرابط:  
<http://www.almasryalyoum.com/node/496090>
۲۴. «المنشقون عن الاخوان: تعدد الاحزاب المنبثقه عن الجماعه يقضى علی الشعارات الدينيه»، علی الموقع الكتروني:  
<http://www.hoqook.com/index.php/2011-04-18-10-46-03/11896-2011-06-26-12-30-02>
۲۵. جريدة المصری اليوم، عدد ۲۵۷۸، ۵ جولای ۲۰۱۱.  
و برای اطلاع از برنامه حزب النهضه رجوع کنید به:  
<http://www.almasry-alyoum.com/article2.aspx?ArticleID=302713&IssueID=2187>
۲۶. «ظاهرة شباب الاصلاحی داخل الاخوان فی ثوره ۲۵ يناير»، علی الموقع:  
<http://www.arabinsight.org/aiarticles/186.pdf>  
برای اطلاع از بحران دفتر ارشاد به پیوند زیر مراجعه کنید:  
<http://www.almasry-alyoum.com/article2.aspx?ArticleID=233284&IssueID=1590>
۲۷. الموقع الإلكتروني لجريدة المصری اليوم، ۲۱ ژوئن ۲۰۱۱:  
<http://www.almasryalyoum.com/node/470329>
۲۸. به گفتگوی لظفی با روزنامه الاخبار، ۲۵ ژوئن ۲۰۱۱ در پیوند زیر رجوع کنید:  
<http://www.akhbarelyom.org.eg/issue/detailze.asp?field=news&id=41684>
۲۹. به سایت رسمی حزب «الاصلاح والنهضه» رجوع کنید:  
[http://eslah-nahda.org/eslah/?page\\_id=119](http://eslah-nahda.org/eslah/?page_id=119)
۳۰. الموقع الإلكتروني لجريدة الدستور الاصلی، ۳/۶/۲۰۱۱:  
<http://www.dostor.org/politics/egypt/11/june/3/44056>
۳۱. به سایت رسمی حزب التوحيد العربی مراجعه کنید،  
[http://altwhedalarby.com/?page\\_id=2](http://altwhedalarby.com/?page_id=2)
۳۲. الموقع الإلكتروني لجريدة الجريدة، ۳/۱۰/۲۰۱۱،  
<http://www.algareda.com>
۳۳. برای مطالعه نقش سیاسی صوفیه بعد از انقلاب مراجعه کنید به عمار علی حسن، «الدور السياسي للطرق الصوفیه فی مصر بعد ثوره ۲۵ يناير»، مركز الجزيرة للدراسات، ۳۰/۷/۲۰۱۱:  
<http://www.aljazeera.net/NR/exeres/21FA3618-C1B2-4D1B-82E6-00699D58A650.htm>
۳۴. الموقع الإلكتروني لجريدة اليوم السابع، ۲/۵/۲۰۱۱،  
<http://youm7.com/News.asp?NewsID=403643>
۳۵. الجريدة المصری اليوم الإلكترونيه ۷/۲/۲۰۱۱:  
<http://www.almasryalyoum.com/node/322049>

۳۶. جریده مشهد الکترونیه، ۲۰۱۱/۹/۴.

<http://al-mashhad.com/Articles/13089.aspx>

۳۷. مجله روز الیوسف، العدد ۶، ۴۳۳۹، ۲۰۱۱/۸/.

۳۸. جریده الدستور الاصلی، ۲۰۱۱/۱۰/۲۴.

<http://www.dostor.org/politics/egypt/11/october/24/59152>

برای مطالعه بیشتر در مورد حزب شیعی مصر: الموقع الکترونی لجریده الاهرام، ۲۰۱۱/۹/۲۳:

<http://digital.ahram.org.eg/Policy.aspx?Serial=647461>

## كتاب نامه

الف) منابع عربى

١. ابراهيم، ناجح. ٢٠١١. «ارحموا عزيز قوم»، الموقع الرسمى للجماعه، <http://www.egyig.com/Public/articles/scholars/13/96664750.shtml>
٢. اسماعيل، محمد. ٢٠١١. «النور السلفى: نرحب بالتعاون مع كافة القوى و التيارات السياسيه»، الموقع الالكترونى لجريده اليوم السابع، ١٢ ژوئن، على الرابط التالى: <http://www.youm7.com/News.asp?NewsID=433849&SecID=97>
٣. البشرى، طارق. ١٩٩٦ (ب). الحوار الاسلامى - العلمانى، القايره؛ دار الشروق، ص ٢١
٤. البشرى، طارق. ١٩٩٨ (الف). الجامعه الوطنيه فى الفكر السياسى، الطبعة الاولى، القايره؛ دار الشروق.
٥. البناء، حسن. ٢٠٠٢. «رساله بين الامس و اليوم»: فى مجموعه رسائل حسن البناء، القايره؛ دار الدعوه للنشر و التوزيع، ص ٣٤.
٦. العنانى، خليل. ٢٠١١ (الف). الإخوان المسلمون فى مصر... شيخوخه تصارع الزمن؟، القايره؛ دار الشروق، ص ٥٦.
٧. العنانى، خليل. ٢٠١١ (ب). «مصر من التوافق الى الصراع»، الحياه، ٣/٢٣
٨. حسام، تمام. ٢٠١١. «ماذا يريدون السلفيون بالثوره»، الشروق الجديد، ٣/٦، ص ٦
٩. حسنين، توفيق، ابراهيم. ١٩٩٨. النظام السياسى المصرى و الإخوان المسلمون فى مصر.. من التسامح الى المواجهه (١٨٨٠-١٨٩١)، الطبعة الاولى، بيروت؛ دار الطليعه، ص ١٢.
١٠. رضوان، السيد. ٢٠١١. «المتقف العربى و حركات التغيير و الزمن المنقضى»، الحياه، ٦/٢٥
١١. عبدالعال، على. ٢٠١١ (الف). «الدعوه السلفيه تحذر من المساس بالهويه السلاميه لمصر»، موقع اون اسلام، ٩ فوريه، <http://www.onislam.net/arabic/newsanalysis/newsreports/islamic-world/128475-q-q>
١٢. عبدالعال، على. ٢٠١١ (ب). «الدوله السلفيه كما تقدمها برامج الاحزاب»، الموقع الالكترونى لجريده ٢٥ يناير الالكترونيه، على الرابط: <http://www.25jan-news.com/article.php?id=5587>
١٣. عبدالمجيد، وحيد. ٢٠٠٣. الازمه المصريه: فى مخاطر الاستقطاب الاسلامى - العلمانى، القايره؛ دار القارئ العربى.
١٤. عبده حسين، محمد. ٢٠١١. «١٨ حزبا تقر وثيقه توافق من أجل مصر، جريده الشرق الاوسط، العدد ١١٨٩٤، ١١/٢٢.
١٥. عمار، على حسن. ٢٠٠٩. التنشئه السياسيه للطرق الصوفيه فى مصر، القايره؛ دار العين للنشر.
١٦. فوزى، سامح. ٢٠١١. «الخروج من نفق الاستقطاب»، الشروق، ٦/٤.

۱۷. نسیره، هانی. ۲۰۱۱. «السلفیه فی مصر تحولات ما بعد الثورة»، سلسله کراسات استراتیجیه، القاهره؛ مرکز الاهرام للدراسات السياسيه و الاستراتیجیه، العدد ۲۰. ۲۲۰.
۱۸. هویدی، امیره. ۲۰۱۱. «هل ینفرط عقد الاخوان؟»، جریده السفیر البنانیه، العدد ۱۹۲۶، ۷/۲.

19. Afary, Janet & Kevin, Anderson, (2005), *Foucault and the Iranian Revolution: Gender and the Seductions of Islamism*, Chicago: Chicago University Press.

20. Berger, Peter, (1999), *The Desecularization of the World: The Resurgence of Religion in World Politics*, Washington: William B Eerdmans Publishing Co.

21. Daly, M., (1998), *Modern Egypt, from 1517 to the End of the Twentieth Century*, Cambridge; Cambridge University Press.

22. Hewitt, W. E., (1990), *Religion and Consolidation of Democracy in Brazil*, Sociological Review, vol. 50:2, pp. 139-152.

23. Johnston, Hank and Jozef, Figa, (March 1988), the Church and Political Opposition: Comparative Perspectives on Mobilization against Authoritarian Regimes, *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 27, No. 1, p. 36.

24. Norton, Augustus Richard (2005), Towards Politics: The Case of Egyptian Hizb Al-Wasat, In Robert Henfer (ed), *Remaking Muslim Politics, Pluralism. Contestation, and Democratization*, Princeton; Princeton University Press, p. 136.

25. Preston, Paul, (1986), *The Triumph of Democracy in Spain*, London and New York: Routledge.

26. Tarrow, Sidney, (1998), *Power in Movement: Social Movements and Contentious Politics*, Cambridge: University Press, p 77.

27. Wiarda, Howard J and Margaret Macleish Mott, (2007), *Catholic Roots and Democratic Flowers: Political Systems in Spain and Portugal*, Santa Barbara: Praeger Publishers.